

گلشن

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

شنبه ۱۴ شهریور ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۲۲۴۳ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان

۲



مجاز فعالیت ۱۰ شرکت برای توسعه کشت
قراردادی دریافت شد



۳



پوراود و سرآغازهای واژه‌شناسی نوین
در ایران



نسیم شمال

مرغوبترین برنج

و خشکبار ایران

تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸

یادداشت اول

پاسخ به چند پرسش

■ شورای سردبیری

همانطور که می دانید روزنامه گلشن مهر بر اساس اصول شش گانه خود (صداقت در اطلاع رسانی، اعتدال، همزیستی، دفاع از حقوق شهروندان، پرهیز از نفی دیگران و توسعه) نزدیک به سه دهه است در گلستان منتشر می شود. این روزها حجم اتفاقات و حوادث به گونه ای است که لازم است درباره آن توضیح داده شود. برای نمونه بسیاری این پرسش را پاسخ می خواهند که چگونه در گلشن مهر می توان مطلبی منتشر کرد باید در این باره گفت تلاش ما در گلشن مهر بوجود آوردن فضای گفت و گو بین تمام احاد فکری و اجتماعی و سیاسی گلستان است، می گوئیم گلشن مهر تا حد امکان میدانی برای عرضه همه دیدگاهها، باشد، راست یا چپ، اصولگرا یا اصلاح طلب، شرق یا غرب هیچیک معیاری برای شورای سردبیری روزنامه نیست تنها اصل رعایت اصول حرفه ای و رعایت ضرورت های اجتناب ناپذیر کار حرفه ای است. بنابراین تلاش می کنیم هیات تحریریه ای عام از همه نخبگان گلستان داشته باشیم تا سندی قابل استناد برای جامعه حاضر و نسل های آینده باشیم. اما نکته ای که باید یادآور شویم آن است که در چند مدت گذشته گاه از سوی تحریریه روزنامه و گاه از سوی نویسندگان گلستانی مطالبی تحلیلی به روزنامه می رسد که حول یک موضوع است مثلا درباره سفر به آسیای میانه سه مطلب تحلیلی در روزنامه با سه نگاه کم و بیش متفاوت منتشر شد و یا در خصوص اعتبارات و توزیع آن در گلستان چند یادداشت تحلیلی به گلشن مهر رسیده است به این خاطر تلاش می کنیم همه مطالب قابل اتکا در اختیار افکار عمومی و مدیران محترم قرار گیرد تا از این رهگذر و با شنیدن نظرات گوناگون فضای نقد و گفت و گو فراهم شود و توسعه گلستان نیز از آن بهره ببرد. نکته دیگر آنکه بنای روزنامه بر اساس تولید تحلیل است، ما به خوبی می دانیم روزگار خبر گذشته است امروز باید برای اخبار تحلیل داشت و ما می کوشیم با نگاهی تحلیلی به مصاف پدیده ها برویم. در این مسیر انتظار داریم نویسندگان محترم متوجه این مطلب باشند که استفاده از هوش مصنوعی برای نوشتن یادداشت تحلیلی اگر چه شاید دارای مزیت هایی باشد اما ما در گلشن مهر تنها در خدمت انسان های خردمندی هستیم که با تحلیل هایشان ما را در راه توسعه همراهی کنند. به هر روی ما در دوران وانفاسی جنگ و صلح، فشار اقتصادی، تنگناهای اجتماعی و دهها حادثه ریز و درشت دیگر کوشیده ایم تلاش کنیم تا سوسوی فانوسی باشیم که هم چنان به امید آینده ای روشن برای ایران عزیز تلاش می کند.

گلستان:

جغرافیای نابرابر اعتبارات

نگاهی به توزیع اعتبارات پروژه های عمرانی و اقتصادی دولت در گلستان

استاندار گلستان مجموع اعتبار پروژه های عمرانی و اقتصادی استان در هفته دولت سال ۱۴۰۵ را ۵۲ هزار و ۴۴۹ میلیارد تومان اعلام کرد.



اعتبارات پروژه های هفته دولت به تفکیک شهرستان ها

رتبه	شهرستان	جمعیت تقریبی (نفر)	اعتبار (میلیارد تومان)	مبالغ به میلیارد تومان
۱	گرگان	۵۰۰,۰۰۰	۱۲,۵۰۰	۱۲,۵۰۰
۲	بندر ترکمن	۸۰,۰۰۰	۸,۰۲۴	۸,۰۲۴
۳	آق قلا	۱۳۵,۰۰۰	۶,۴۳۷	۶,۴۳۷
۴	گمیشان	۷۰,۰۰۰	۶,۰۸۹	۶,۰۸۹
۵	گنبد کاووس	۴۰۰,۰۰۰	۵,۵۳۸	۵,۵۳۸
۶	کردکوی	۷۵,۰۰۰	۳,۶۴۷	۳,۶۴۷
۷	آزادشهر	۱۱۰,۰۰۰	۲,۷۱۹	۲,۷۱۹
۸	بندرگز	۴۸,۰۰۰	۹۶۵	۹۶۵
۹	مینودشت	۸۰,۰۰۰	۶۸۸	۶۸۸
۱۰	علی آباد کتول	۱۵۰,۰۰۰	۶۷۲	۶۷۲
۱۱	گالیکش	۷۰,۰۰۰	۶۴۳,۵۰۰	۶۴۳,۵۰۰
۱۲	کلالة	۱۳۵,۰۰۰	۶۳۸,۱۸۰	۶۳۸,۱۸۰
۱۳	رامیان	۱۰۰,۰۰۰	—	—
۱۴	مراوه تپه	۷۰,۰۰۰	۳۴۴	۳۴۴

* میزان جمعیت شهرستان ها حدودی و تخمینی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ است.

نکات کلیدی توزیع اعتبارات

گرگان و شهرستان های غرب استان که حدود ۱۳٪ جمعیت استان را در بر می گیرند، نزدیک به ۷۲٪ کل اعتبارات (هم جمعیت تقریبی) اعتبار را به خود اختصاص داده اند.	چهار شهرستان غرب با سهم جمعیتی حدود ۱۳٪، نزدیک به ۳۶٪ اعتبارات (۷۸۸ و ۷۷۸ میلیارد تومان) را به خود اختصاص داده اند.	کردکوی با جمعیت تقریبی ۷۵ هزار نفر، حدود ۶٪ برابر علی آباد کتول ۱۵۰ هزار نفر و همچنین ۶ برابر بیشتر از مینودشت (هم جمعیت تقریبی) اعتبار برای پروژه دریافت کرده است.	بندرگز با کمتر از ۵۰ هزار نفر جمعیت، حدود ۱.۵ برابر کلالة (حدود ۱۲۵ هزار نفر) اعتبار داشته است.	گمیشان با جمعیتی تقریباً برابر با مراوه تپه، پروژه هایی با اعتباری نزدیک به ۱۸ تا ۱۹ برابر را افتتاح و کلنگ زنی کرده است.

مقایسه سرانه اعتبار در شرق و غرب استان

غرب و مرکز استان	شرق استان
جمعیت: حدود ۴۵٪ اعتبارات: حدود ۲۲٪ سهم سرانه: ۴۱/۹ میلیون تومان	جمعیت: حدود ۵۵٪ اعتبارات: حدود ۲۸٪ سهم سرانه: ۱۳/۴ میلیون تومان
تفاوت معنی دار در توزیع اعتبارات: سهم سرانه غرب و مرکز استان حدود ۳/۱ برابر شرق استان است.	

نتیجه گیری



تخصیص حدود ۷۲٪ اعتبارات به ۴۵٪ جمعیت مرکز و غرب استان در برابر تنها ۲۸٪ اعتبارات به ۵۵٪ جمعیت شرق استان به معنای سهم سرانه حدود ۴۱/۹ میلیون تومان برای غرب و مرکز استان در مقابل سهم سرانه حدود ۱۳/۴ میلیون تومان برای شرق استان است.

این نابرابری نه تنها از منظر اقتصادی نامعادله است و در میان مدت توسعه یافتگی شرق استان را تعمیق می کند، بلکه از منظر اجتماعی شکافها را تشدید کرده و از دیدگاه انسجام اجتماعی و ملاحظات امنیتی نیز مطلوب نیست.

توسعه متوازن گلستان، ارتقای سطح رفاه، کاهش بیکاری و تورم، و بهبود معیشت همه شهروندان — از بندرگز تا مراوه تپه — خواست مشترک است. امید است نهادهای نظارتی و کارشناسی با بررسی دقیق تر این روند، اقدامات اصلاحی مؤثری در پیش گیرند.

محمد صادق سالاری

نسبت مدیران ارشد گلستان با آفت اقتصاد دولتی:

یکی از آفات اقتصاد برنامه ریزی شده دولتی، تأثیر تمایلات شخصی مدیران (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قومی، محلی و خانوادگی) در هدایت اعتبارات دولتی است. در اقتصادی که توسعه و سرمایه گذاری عمده تا

توسط دولت اجرا یا هدایت می شود، انگیزه های شخصی مدیران ارشد وزن بالایی پیدا می کند. در مقابل، در اقتصاد بازار مبتنی بر سود، نظام عرضه و تقاضا تعیین می کند سرمایه چه میزان، در کجا، در چه زمینه ای، در چه زمانی و برای چه مدتی صرف شود. به همین دلیل بسیاری از نظریه پردازان علوم انسانی معتقدند تحقق عدالت از مسیر اقتصاد بازار محتمل تر است تا اقتصاد دولتی؛ جایی که یک مدیر می تواند با یک امضا یا نفوذ سازمانی، بدون محاسبه سود،

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیر اول

۴۴۹ میلیارد تومان اعلام کرد.

سهم شهرستان‌های استان از این اعتبارات به شرح زیر است:

۱- گرگان (جمعیت حدود ۵۰۰ هزار نفر): ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان

۲- بندر ترکمن (حدود ۸۰ هزار نفر): ۸ هزار و ۲۴ میلیارد تومان

۳- آق‌قلا (حدود ۱۳۵ هزار نفر): ۶ هزار و ۴۳۷ میلیارد تومان

۴- گمیشان (حدود ۷۰ هزار نفر): ۶ هزار و ۸۹ میلیارد تومان

۵- گنبد کاووس (حدود ۴۰۰ هزار نفر): ۵ هزار و ۵۳۸ میلیارد تومان

۶- کردکوی (حدود ۷۵ هزار نفر): ۳ هزار و ۶۴۷ میلیارد تومان

۷- آزادشهر (حدود ۱۱۰ هزار نفر): ۲ هزار و ۷۱۹ میلیارد تومان

۸- بندرگز (حدود ۴۸ هزار نفر): ۹۶۵ میلیارد تومان

۹- مینودشت (حدود ۸۰ هزار نفر): ۶۸۸ میلیارد تومان

۱۰- علی‌آباد کتول (حدود ۱۵۰ هزار نفر): ۶۷۲ میلیارد تومان

۱۱- گالیکش (حدود ۷۰ هزار نفر): ۶۴۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان

۱۲- کلاله (حدود ۱۲۵ هزار نفر): ۶۳۸ میلیارد و ۱۸۰ میلیون تومان

۱۳- رامیان (حدود ۱۰۰ هزار نفر): رقم اعلام نشده

۱۴- مراوه‌تپه (حدود ۷۰ هزار نفر): ۳۴۴ میلیارد تومان

تحلیل توزیع اعتبارات

بررسی تطبیقی این ارقام، الگوی روشنی از تمرکز منابع

را آشکار می‌کند:

• شهرستان‌های غرب استان که حدود ۴۵ درصد جمعیت استان را بر می‌گیرند، نزدیک به ۷۲ درصد کل اعتبارات (۳۷ هزار و ۶۶۲ میلیارد تومان) را جذب کرده‌اند.

• چهار شهرستان غرب استان (بندر ترکمن، بندرگز، کردکوی و گمیشان) با سهم جمعیتی حدود ۱۳ درصد، نزدیک به ۳۶ درصد اعتبارات (۱۸ هزار و ۷۷۸ میلیارد تومان) را به خود اختصاص داده‌اند.

• کردکوی با جمعیت تقریبی ۷۵ هزار نفر، حدود شش برابر علی‌آباد کتول (۱۵۰ هزار نفر) و همچنین شش برابر بیشتر از مینودشت (هم‌جمعیت تقریبی) اعتبار برای پروژه دریافت کرده است.

• بندرگز با کمتر از ۵۰ هزار نفر جمعیت، حدود ۱۰۵ برابر کلاله (حدود ۱۲۵ هزار نفر) اعتبار داشته است.

• گمیشان با جمعیتی تقریباً برابر با مراوه‌تپه، پروژه‌هایی با اعتباری نزدیک به ۱۸ تا ۱۹ برابر را افتتاح و کلنگ‌زنی کرده است.

نتیجه‌گیری

با استقرار دولت چهاردهم ترکیب مدیران ارشد استان سه در ستاد استانداری و چه در ادارات کل - به گونه‌ای شکل گرفت که بیش از ۷۰ درصد سمت‌های کلیدی از محدوده جغرافیایی گرگان و غرب استان انتخاب شدند. تحلیل توزیع اعتبارات عمرانی و اقتصادی هفته دولت، مصداق بارز همان آفتی است که در مقدمه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ساختاری اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده دولتی مطرح شد:

نقش پررنگ تمایلات و تعلقات شخصی، محلی و

سیاسی مدیران در هدایت منابع عمومی.

مدیران ارشد گلستان بارها توسعه نیافتن استان را به غیاب نیروهای گلستانی در وزارتخانه‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز ملی نسبت داده‌اند؛ اما الگوی مشابهی در مقیاس استانی بازتولید شده است.

تخصیص حدود ۷۲ درصد اعتبارات به ۴۵ درصد جمعیت گرگان و غرب استان در برابر تنها ۲۸ درصد اعتبارات به ۵۵ درصد جمعیت استان در شرق، به معنای سهم سرانه حدود ۴۱۰۹ میلیون تومان برای گرگان و غرب استان در مقابل سهم سرانه عمرانی و اقتصادی پروژه‌های هفته دولت حدود ۱۳۰۴ میلیون تومان برای شرق استان است. این نابرابری نه تنها از منظر اقتصادی ناعادلانه است و در میان‌مدت توسعه نیافتگی شرق استان را تعمیق می‌کند، بلکه از منظر اجتماعی شکاف‌ها را تشدید کرده و از دیدگاه انسجام اجتماعی و ملاحظات امنیتی نیز مطلوب نیست.

توسعه متوازن گلستان، ارتقای سطح رفاه، کاهش بیکاری و تورم، و بهبود معیشت همه شهروندان - از بندرگز و نوکنده تا مراوه‌تپه - خواست مشترک است. باین حال، تجربه نشان می‌دهد که تحقق عدالت در توزیع متوازن امکانات در اقتصاد دولتی، برخلاف شعارهای مکرر، همچنان امری سهل و ممتنع باقی مانده است. امید است نهادهای نظارتی و کارشناسی با بررسی دقیق‌تر این روند، اقدامات اصلاحی مؤثری در پیش گیرند.

پی نوشت: میزان جمعیت شهرستان‌ها حدودی و تخمینی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ است.

دانش آموخته علوم سیاسی

مجوز فعالیت ۱۰ شرکت برای توسعه کشت قراردادی دریافت شد

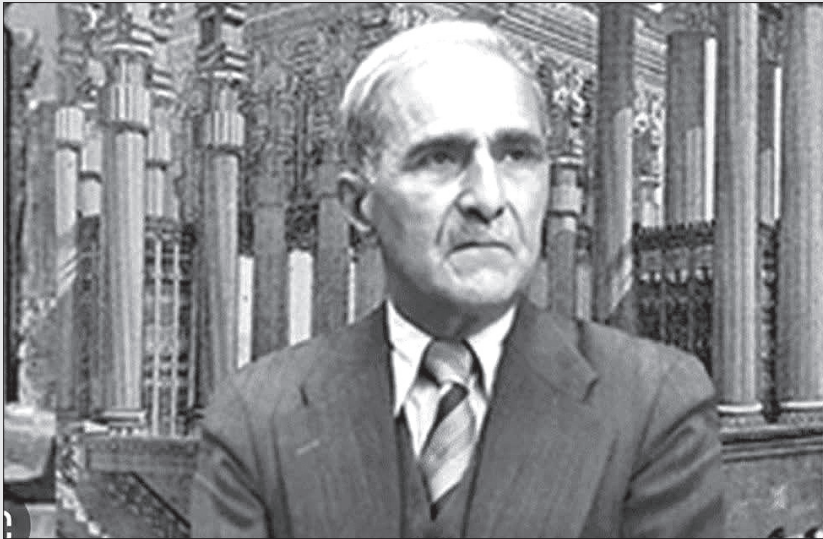
و در حال تسطیح اراضی و قطعه بندی اجرا کاشت نهال است. وی خاطر نشان کرد: در هفته دولت امسال نیز ۲ طرح تاثیر گذار در حوزه های ایجاد سردخانه نگهداری محصولات کشاورزی با ظرفیت ۲ هزار تن در آزادشهر و سرمایه‌گذاری بیش از ۲ هزار میلیارد ریال و پرورش مرغ مادر با ظرفیت ۶۰ هزار قطعه جوجه در هر دوره در بندر ترکمن با سرمایه گذاری ۳ هزار میلیارد ریال مورد بهره‌برداری رسیده و برای ۵۰ نفر نیز به طور مستقیم شغل پایدار ایجاد کرده‌اند. حسین پور ادامه داد: هفته آینده نیز نشست مرکز خدمات جذب سرمایه‌گذاری جهاد کشاورزی استان برای بررسی پرونده ۴ متقاضی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی تشکیل خواهد شد. استان گلستان با حدود ۲۰۰ هزار بهره‌بردار کشاورزی و تولید قریب به ۶ میلیون تن انواع محصولات کشاورزی، در تولید ۱۵ محصول راهبردی کشور شامل دانه‌های روغنی کلزا، سویا و آفتابگردان، هلو، توتون و گوشت مرغ رتبه اول، گندم، چغندر قند و خرمالو مقام دوم، شلتوک (برنج)، پیله تر ابریشم، میگو و پنبه رتبه سوم، ماهیان پرورشی و خاویاری رتبه چهارم و جو و زیتون رتبه پنجم کشوری را دارد. استان گلستان با بیش از ۲۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و جای دادن هفت اقلیم از ۱۳ اقلیم دنیا در همسایگی سه استان مازندران، خراسان شمالی و سمنان و کشور ترکمنستان قرار دارد و در تولید محصولات کشاورزی از جایگاه ممتازی در کشور برخوردار است به طوری که بخش کشاورزی این استان معادل ۳۸ درصد اشتغال خالص را به خود اختصاص داده است.



سرمایه‌گذاری کشاورزی استان می‌گذرد، ۱۰ نشست با متقاضیان علاقمند به سرمایه‌گذاری برگزار شده و برای فعالیت در حوزه‌هایی از جمله پرورش میگو در سطح ۳۲۰ هکتار در شهرک گمیشان، ایجاد گاوداری شیری با ظرفیت ۵ هزار رأس، ایجاد گلخانه به مساحت ۲۲ هکتار در شهرک کشاورزی خوجملی گنبد کاووس مجوز داده شده و عملیات این طرح آماده برای اجرا بوده یا در دست اجرا است. حسین پور همچنین از ایجاد باغ پسته به وسعت ۴۰۰ هکتار در شمال گنبد کاووس خبر داد و گفت: سرمایه‌گذار این طرح، فعالیت خود را آغاز کرده

توسعه و احیای زراعت پنبه، پایانه صادرات محصولات کشاورزی، زنجیره تولید چغندر قند به ویژه در شمال استان را از جمله اولویت‌های جذب سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی استان برشمرد. معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی جهاد کشاورزی گلستان همچنین از راه‌اندازی مرکز خدمات جذب سرمایه‌گذاری کشاورزی استان خبر داد و گفت: این مرکز از یکسال قبل با هدف آسان‌سازی روند اداری جذب متقاضیان برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی استان متناسب با نیازها، فعال شده است. وی ادامه داد: طی یکسال که از فعالیت مرکز جذب

معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی جهاد کشاورزی گلستان گفت: جهاد کشاورزی استان از میان ۱۹ شرکت معرفی شده برای اجرای و توسعه کشاورزی قراردادی، مجوز فعالیت ۱۰ شرکت را برای فعالیت از وزارتخانه دریافت کرده است. به گزارش روابط عمومی، حمید حسین پور اظهار کرد: توسعه پرورش نوغانداری، احیا و توسعه پنبه، کشت گیاهان دارویی (سیاه دانه)، صنعت طیور، زیتون، نگهداری و ذخیره‌سازی محصولات باغی، نگهداری و ذخیره‌سازی مواد غذایی از جمله حوزه‌هایی است که شرکت‌های آن دارای مجوز بوده و فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. وی با بیان این که کشاورزی قراردادی می‌تواند برای کشاورزان سودآور باشد و آنها را به بازارهای جدید پیوند دهد، گفت: هدف از گسترش این شیوه کشاورزی، بستن قراردادی با مدت معین بین کشاورز و یک شرکت پیش از آغاز تولید است و شرکت و کشاورز در قالب شروطی در زمینه تامین نهاده‌های تولید، مشاوره، بازاریابی و فروش، محصولات کشاورزی را تولید می‌کنند و دسترسی به بازار قابل اتکا و جدید و امکان دسترسی به اعتبارات به اشکال مختلف از دیگر مزایای کشاورزی قراردادی است. حسین پور خاطر نشان کرد: اجرای طرح مزبور طبق برنامه هفتم توسعه کشاورزی در استان گلستان پیگیری می‌شود و از متقاضیان علاقمند به دریافت مجوز برای سرمایه‌گذاری در حوزه کشاورزی قراردادی حمایت خواهد شد. وی ایجاد شهرک‌های گلخانه‌ای، ایجاد شهرک‌های دامپروری، توسعه صنعت شترداری در شمال استان، توسعه صنعت نوغانداری،



انوری، شاگرد نام‌دار او، چندبار (یک‌بار هم به تازگی در نشست‌های گه‌گاهی فرهنگستان زبان) یادآوری کرد که نمی‌شد از وی درباره‌ی معنا و ساخت واژه پرسش کرد. در کار عبدالعظیم‌خان قریب نیز این روی‌کرد شناخته نبود. بیش‌تر دانش‌وران آن روزگار، بر پایه‌ی دانش ناخودآگاه زبانی (شم یا ذوق زبانی) واژه می‌ساختند، یا درباره‌ی واژگان پیش‌نهادی داوری می‌کردند. پورداد سربسته گفته است، «پیرامون معنی شگفت‌آمیزی گشتن و از برای هر لغت ریشه و بُنی‌خنده‌آور جستن در این چند سال اخیر میان ما رواج گرفته ... خرداد را از ریشه‌ی خوردن می‌پندارند و مرداد را به گیاه مُرد می‌پیوندند، اگر ... از این قبیل نیافتند، به حدس نادرست خود متوسل می‌شوند» (فرهنگ ایران باستان، ص۵۳). این روش نه در میان سخن‌گویان کوچه و خیابان، که میان دانش‌وران نیز خواهانی یافته بود.

گاه سخن‌وران بی‌هیچ سنجه‌ای از یک واژه روی‌گردان بودند. برای نمونه چنین زبان‌زد است که فروغی، واژه‌ی «دانش‌کده» را نمی‌پسندید، اما روشن نیست که سنجه‌های او در پسندناپسندیدن واژه چه بود؟ بر زمینه‌ی چنین نگرش‌هایی کار پورداد در خور یادآوری است.

ایران باستانی و پسا اسلامی

کار پورداد در واژگان پیش‌نهادی از دید روش‌شناسی بر پیوستگی فرهنگی ایران باستان و ایران پسا اسلامی استوار بود. درباره‌ی مزدیسنا در ادبیات فارسی – نخستین پایان‌نامه‌ای که زیر دست او در دانش‌گاه نوشته شد- یادآوری کرد، این نامه ادبیات فارسی را به ادبیات مزدیسنا می‌پیوندد (انا‌هیتا، ص۱۸۷). چنان که می‌توان درون‌مایه‌ی واژه‌ها و سازه‌های زبانی را در پیوند با مایه‌های اوستایی سنجید و شناسایی کرد.

واژگان گویشی

ویژگی دیگر کار پورداد، نگاه به گنجینه‌ی واژگان گویشی (گفتاری، یا چنان‌چه خود می‌نامید: گوشتی) بود. در یادداشتی که بر نوشته‌ای با نام «نام‌های پرندگان در زبان کردی» به چاپ رساند، گوش کردی را «یکی از بزرگ‌ترین و سودمندترین گوش‌های میهن ما» نامید. او این آموزه را برجسته کرد که اگر در گویش‌های کاربردی ایران بگردیم، و آن‌ها را با واژه‌های گویشی دیگر بسنجیم، می‌توانیم درباره‌ی درستی نادرستی ریشه و بن واژه‌های چندین هزار ساله به آگاهی روشنی برسیم. از این دیدگاه، پورداد نخستین کسی بود که یادآوری کرد «هر چه زودتر باید گوش‌های گوناگون ایران را گردآوری و تدوین کرد تا از دستبرد پیش‌آمد زمانه رهایی یابد.» (خرداد ۱۳۲۶).

خاست‌گاه و روند جابه‌جایی

رده‌ی دیگر واژگان در گستره‌ی واژه‌شناسی پورداد از زبان‌های دیگری به فارسی درآمده بودند، اما زمینه‌های این جابه‌جایی در مه تاریخ گم شده بود. کار پورداد در شناخت این واژگان، مانند نمونه‌ی «تیشکر» از گونه‌ی بررسی‌های تاریخی، میان‌فرهنگی و چندزبانی است. در این گونه از بررسی‌ها داده‌های تاریخی نه تنها راه شناخت واژه را هم‌وار می‌کند، گاه بر تیرگی‌های آگاهی تاریخ پرتو می‌اندازد و گره تاریخی را باز می‌کند.

«

پورداد و سرآغازهای واژه‌شناسی نوین در ایران

هادی راشد

سه گونه برخورد با واژه‌شناسی

ابراهیم پورداد با نگاهی روش‌مند به ساختن واژه‌ها یکی از پایه‌گذاران واژه‌سازی و سنجش واژه‌های نوساخته است. او در سه زیرشاخه از پژوهش‌های خود با واژه‌شناسی سروکار پیدا کرد. نخست، در برگردان بخش‌های اوستا ناگزیر بود که شماری از واژه‌های اوستایی را با واژه‌های زبان‌های باستانی بسنجد، و با کنار زدن لایه‌های افزوده‌ی پسینی، معنای تاریخی واژه‌ها را باز یابد. در دومین شاخه، پورداد کوشید شماری از واژه‌های ناشناخته‌ی زبان فارسی را به پژوهش‌گران آینده بشناساند. در سومین شاخه او در برخورد با واژه‌سازی هم‌روزگاران خود، کوشید کاستی‌های روش کار آنان را بازگو کند و همگان را به بازنگری در روش‌های واژه‌سازی فراخواند. در این زیرشاخه‌ها به ویژه واژه‌های پیش‌نهادی و بازنگری در واژه‌های نوساخته، روش پورداد فراخواندن رده‌ای از آگاهی‌های تاریخی-فرهنگی، داده‌های زبانی و سنجه‌های کاربردی بود. با یادآوری دیدگاه‌های او، به ارزش کار پورداد در واژه‌شناسی و تکاپوهای او در پایه‌گذاری این شاخه از بررسی‌های زبانی پی می‌بریم.

واژه‌شناسی در ایران

روزگاری که پورداد به این کار روی آورد، واژه‌شناسی در ایران در بررسی‌های ادبی و زبانی، شاخه یا زیرشاخه‌ی شناخته‌ای نبود. روش کار نخستین واژه‌سازان در سازمان ارتش شناخته نبود. دانش‌وران فرهنگستان چیزی از شالوده‌های کار خود به جای نگذاشته بودند. فروزانفر، آموزگار کاریزماتیک دانش‌سرای عالی، در بازخوانی زبان‌نوشته‌های فارسی از بررسی تاریخ کاربرد و معنای تاریخی واژگان روی‌گردان بود. حسن

و در بخش‌های دیگر اوستا **aiwi** به کار رفته است. در پهلوی یا فارسی «او، اف» گشته است. در افروختن، بخش آغازین، هم‌این پیشاوند است. (نیز: افزودن، افسان، و ...).

خاقانی در شعر خود میان افسار و افسر گونه‌ای هم‌آهنگی یافته بود: ز افسار خرش، افسر فرستم به خانان سمرقند و بخارا

پورداد، شاید از این کاربرد چنین دریافت که «افسر و افسار هر دو در اصل دارای یک معنی است.» افسار از برای سر اسب است، افسر را هم بر سر شاه گذارند. شالوده‌ی خرده‌سنجی پورداد در چند گزاره بود: ۱. افسر واژه‌ای با کاربرد دیرینه به معنای تاج است؛ ۲. نام‌گذاری آن برای دارنده‌ی پایه و جای‌گاه در ارتش (صاحب‌منصب)، با معنای دیرینه‌ی آن هم‌خوانی ندارد؛ ۳. به بهانه‌ی کنار گذاشتن واژه‌های عربی و ترکی، که در فارسی جا افتاده‌اند، نباید شالوده‌های ساختگی هم‌آیندی را میان واژه‌هایی چون «افیس» و «افسر» بازنمایی کرد. (همه‌ی سخنان برگزیده‌ی پورداد در این یادداشت، با نشانه یا بی‌نشانه از جستار «افسر» بازنویسی شده است).

اگر امروز هم به ژرفای سخن پورداد بنگریم، به آسانی نمی‌توانیم از پذیرفتن «بن» و شالوده‌ی درست‌انگاری سخن او سر باز زنیم. آن‌چه پورداد در آن روزگار نادیده گذاشت، هم‌وار کردن روندهای دگرگونی معنای واژه در کاربرد بود. با سنجه‌ی پیش‌نهادی پورداد، واژه‌های «شهر» و «کشور» هم برای «بلد» و «سرزمین» پذیرفتنی نبودند. زیرا این واژگان در کاربردهای پیش‌نهادی آن روز، درست هم‌آن معنای دیرینه را بازنمایی نمی‌کردند. با این همه، کاربرد این واژگان با همه‌ی ناهم‌خوانی‌های آغازین، پس از جا افتادن، بسترهای زبان فارسی را برای نوسازی واژگانی آماده ساختند. نخستین فرهنگستان زبان با همه‌ی گام‌های راست و ناراست، در به جنبش درآوردن فرآیند دگرگونی و نوسازی واژگان زبان فارسی کام‌یاب بود. چیزی که از چشم‌انداز نگاه آنان دور مانده بود، نوسازی ساخت دستوری زبان فارسی بود.

–کانال در پویه‌ی زبان فارسی پژوهشگر ادب فارسی



به عصر هوش مصنوعی

تا چه اندازه در بازخوانی خاطرات، به بازسازی انتقادی گذشته پرداخته‌اید و کجاها آگاهانه از بازنویسی یا حذف برخی روایت‌ها صرف نظر کرده‌اید؟

من اگر به خواست خودم بود، عریان تمام زوایای زندگی خود را می نوشتم شاید مثال مبالغه آمیزی باشد اما ژان ژاک روسو بی پروا آن چنان شفاف از خود و زندگی نوشته که خواننده متعجب می شود روسو با این عظمت اینگونه زیستی داشته است. لذا وقتی به بازخوانی می پردازم متأسف می شوم که چرا تحت فشار دیگران (همانطور که دراستدلال فوق گفته ام) بسیار مطالب را ننوشته ام، گر چه خیلی علاقه به ریز نویسی و رفتن به کوچه پس کوچه های ذهن را ندارم که اصلا هم در حوصله خواننده نیست، از سوی دیگر بخش عظیمی از جلد اول کتاب با حذف مراجع ذیصلاح جهت صدور مجوز صورت گرفت و عوامل دیگر باعث می شود که گاه انسان از سر ناچاری و آگاهانه باید تن به واقعیت ها بدهد و بگوید باشد ما به همین مختصر هم رضایت می دهیم. بخشی از مسایل مربوط به خانواده را آگاهانه منصرف شدم و بخشی را که به فعالیت سیاسی مربوط می شد، مثلا رابطه با دکتر محمدی فعالیت در کانون نواندیشان مکتب.

گران در (بر پلکان پاییز) به نوعی از یک جغرافیا فراتر می رود؛ چگونه این شهر را به یک (سوژه اجتماعی) در روایت خود بدل کرده‌اید؟

من گران را به عنوان یک الگو از کلیت ایران دیده ام و این طبیعی است که محل زیست دوران کودکم موضوعی شود تا تمام آن خاطرات در آن سالها عینیت پیدا کند و به گونه ای شود از یک شهر در جغرافیای ایران اگر چه در هر منطقه ای که زندگی کرده ام به طور مختصر درباره آن نوشته ام با توجه به اینکه در بعضی از نقاط ایران اختلافات چشمگیر فرهنگی و اجتماعی وجود دارد (تولیدات کشاورزی ص ۷۷) اما یک نکته قابل توجه وجود دارد مثلا در دوران کودکی ما رادیو هنوز وجود نداشت اطاق با کرسی گرم می شد و روشنایی با چراغ لامپا یا گرد سوز بود، غذا در حیاط آشپزخانه و با هیزم پخته می شد، حمام ها عمومی بود، و این روایت ها در اقلیم های مختلف متفاوت بود مثلا عروسی ترکمن ها در منطقه خودمان، گرمای خانه در زمستان و پهن حیوانات در استان های سردسیر، و....

در مواجهه با تحولات اجتماعی و سیاسی که تجربه کرده‌اید، چه نسبتی میان حافظه فردی شما و روایت رسمی تاریخ برقرار است؟

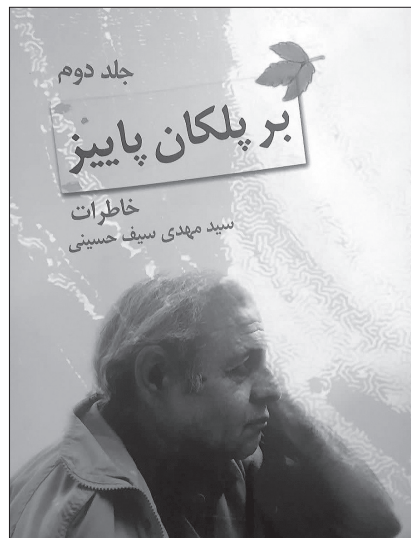
تمام آنچه را که درباره تحولات سیاسی و اجتماعی آن سالهای ایران نوشته ام، به یاری حافظه ام بوده است، و از هیچ روایت رسمی یا تاریخی استفاده نکرده ام و تلاش کردم بدون تعصب و یا جانبداری بنگارم و معتقدم همه می توانند با مدد گرفتن از حافظه خود خاطراتی بنویسند که مجموع آن می تواند روایت هایی واقعی باشد که مورخ یا تاریخ نگار با استفاده از این انبوه خاطرات و تاریخ شفاهی شناخت و آگاهی خود را نسبت به



است که ایجاد چالش بیشتر در زمینه عقاید دینی و باورهای سیاسی است که من در این حوزه هم به دلیل سانسور بخش های مرتبط با موضوعات سیاسی که کمتر دیده می شود و هم عقاید دینی که در ان دانشی ندارم سخنی نگفته ام. اما واقع این است که یک نویسنده نمی تواند در تمامی حوزه ها خود را محدود کند و صداقت نوشته در شفافیت آنست که بیان شود. من در حوزه مسایل اجتماعی و اقتصادی تا حد امکان شفاف نوشته ام تا آنجا که پیرامون مسایل خانوادگی بخش بزرگی از فامیل گذشته بایان مشکل خانوادگی گذشته معترض بودند من مجبور شدم بخشی را حذف کنم یا در ارتباط با رابطه دوستان و زندگی برخی

تمام آنچه را که درباره تحولات سیاسی و اجتماعی آن سالهای ایران نوشته ام، به یاری حافظه ام بوده است، و از هیچ روایت رسمی یا تاریخی استفاده نکرده ام و تلاش کردم بدون تعصب و یا جانبداری بنگارم

مطالبی نوشتم که با چالش شدیدی روبرو شدم اما در همه جا محاسبه سود و زیان را نکردم و تلاشم این بود که به ارزشها و واقعیتها بیشتر بها بدهم حتی آنجا که به زیان خودم و درگیری با دیگران مواجه می شد.



بگذارم، اینگونه بود که نوشتم و در پیرامون خاطره نویسی روایت های مختلفی از مونوگرافی مکان هایی که در آن زندگی کرده ام از شکل زندگی آنها و مختصات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و پیرامون شهر خود به خصوص در زمینه فعالیت های سیاسی اجتماعی اشخاص سخن گفته ام.

شما هم راوی هستید و هم کنشگر؛ این هم زمانی چه چالش هایی در حفظ فاصله تحلیلی و داوری منصفانه برایتان ایجاد کرده است؟

تردید نیست که انسان ها بدون باور و عقیده نیستند و پیوسته علایق هر کسی بر نگاه تحلیلی

او تاثیر می گذارد و مشکل تاریخ هم همین است که کمتر تاریخ نویس پیدا شده تا بدون تمایلات درونی خود فقط وقایع را آنگونه که هست و اتفاق افتاده بیان کند لذا من از آنجا که می بایست با این چالش صادقانه و منصفانه برخورد کنم از تمایلات درونی تا حد امکان فاصله می گرفتم قابل توجه

علی مکتبی

کتاب (بر پلکان پاییز) فرصتی برای بازخوانی تاریخ شفاهی گران از دریچه زندگی یک کنشگر اجتماعی. مهدی سیف حسینی است در این اثر، از کودکی تا کهنسالی، نه تنها از خود، بلکه از فراز و فرودهای یک شهر سخن می گوید. این کتاب دو جلدی، پلی است میان خاطره و هویت جمعی. از نویسنده خواسته‌ایم تا از انگیزه‌ها، ناگفته‌ها و پشت‌صحنه نگارش این اثر برای مخاطبان ما بنویسد. اینکه چرا پاییز را برای روایت زندگی برگزیده، خود آغاز یک گفت‌وگوی خواندنی است.

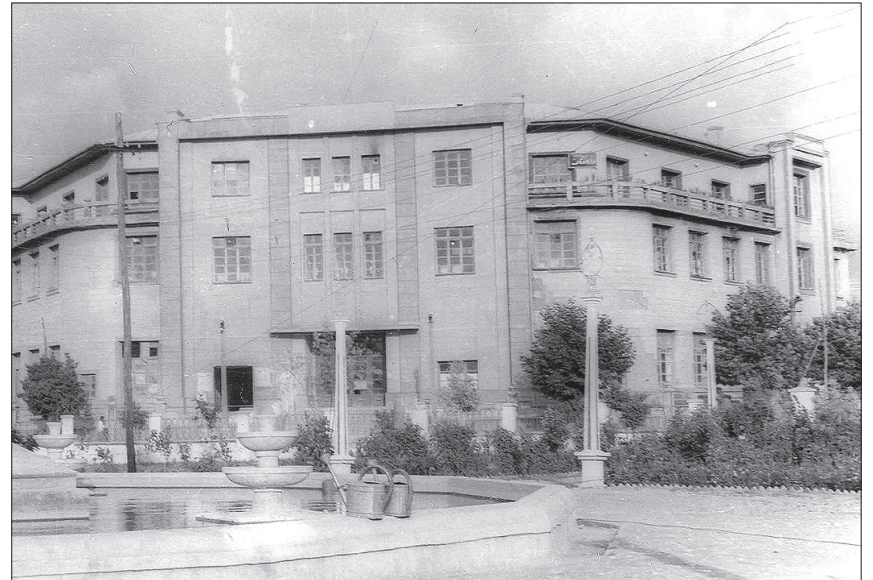
پاییز در عنوان کتاب، فراتر از یک فصل است؛ نامی که برای این کتاب انتخاب کرده‌اید چه نسبتی با سیر زیسته شما دارد؟

پاییز فصل دلبر و جذابی است و به قول فروغ که گفته: کاش چون پاییز بودم/ کاش چون پاییز خاموش ملال انگیز بودم / پیش رویم چهره سرد زمستان جوانی / پشت سر آشوب تابستان عشقی ناگهانی /و من حس کردم از آشوب های تابستان جوانی گذشته ام و بر پلکانی نشسته ام که چشم انداز آن سردی و سیل و سوز زمستان دارد، حس کردم که از قله عمر سرازیر می شوم و در پاییز شورانگیز که انسان در خود فرو می رود به تامل نشسته ام و گذشته پر آشوب و آینده مبهم و پراضطراب را می بینم و این شد که شبی با برادرم هادی وقتی برای عنوان کتاب گفتگو می کردیم مشترکا به این نام رسیدیم. پاییز راز و رمزی دارد که گویی فرازتر از فصل های دیگر است فصل پختگی و تامل و در خود فرو رفتن است و می دانیم که در اشعار ما توصیف از پاییز بی شمار است و من دیدم که نیمه دوم سال مثل نیمه دوم عمر زیستی ام بوده است و از بهار سرکش به پاییز با تجربه رسیده ام.

در این اثر، روایت فردی شما چگونه به یک متن قابل اتکا برای تاریخ شفاهی گران تبدیل می شود؛ چه سازوکاری برای پرهیز از شخصی نویسی صرف به کار برده‌اید؟

من قصد نوشتن تاریخ شفاهی گران را نداشتم اگر چه علاقه بی حدی نسبت به شهر محل تولدم دارم و خود را سعادتمند می دانستم که در سرزمینی با این همه ویژگی مثبت متولد شده ام شهری با کوه، جنگل، دشت و کویر و دریا با مردمانی از اقوام مختلف بلوچ، سیستانی، ترکمن، قزاق، بیارجمندی، ترک و... که همه در نهایت دوستی و رواداری در کنار هم زندگی می کنند. اگر چه درباره تاریخ شفاهی گران سالها قبل موسسه فرهنگی میرداماد از من خواست تا درباره محله نعلبندان و مختصات آن مطلبی بنویسم، من حدود سی صفحه درباره محله نعلبندان که زادگاه من است مطلب نوشتم که بخشی از آن در همین روزنامه هم چاپ شده است، اما هدف من بیشتر نوشتن زندگی نامه خودم بود و میدانستم، شخصیتی نیستم که زندگی ام ارزش خواندن داشته باشد اما گفتم لاقال خانواده و فرزندانم آن را می خوانند و برای آیندگان چیزی از خود به یادگار

وعی پرتاب شدیم



همانطور که ابتدای کتاب خاطرات دوران کودکی است (که برآستی چه زیباست) اما به اقتضا سن و بزرگتر شدن و رفتن به محیط های متفاوت لاجرم نوشته از قالب خاطره گسترده تر شد و به تشریح بسیار مختصر محیط زیستی من در زمینه های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی و گاه سیاسی پرداخت و قابل توجه است که این مختصات با توجه به تنوع زندگی و آداب و رسوم مردم ایران متفاوت می باشد و کشور ما رنگین کمانی است با رفتار متفاوت اهالی آن اما شگفت این است که همه این اقوام و حتی مذاهب مختلف ابتدا خود را ایرانی میدانند بعد ارمنی یا آسوری، شیعه یا سنی و این رنگین کمان به عینه در شهر ما گرگان ملاحظه می شود.

که تصورش ممکن نیست و حتی گاه خودمان از یاد می بریم که از زندگی ساده سنتی آرام باشور و عشق و مهربانی امروز پرتاب شده ایم به دنیای مدرن که ابزارها جای همه چیز و حتی عشق و شادی را از ما گرفته اند.

این اثر را بیشتر باید «خاطره نگاری» دانست یا تلاشی برای بازسازی یک دوره اجتماعی؛ و این تمایز چه تأثیری بر شیوه روایت شما داشته است؟

گوشت فریزی نبود، بوی خورش سبزی او فضای حیاط را پر می کرد، کوچه سنگفرش بود، شادی های بازی های کودکانه، گرگ بازی، گردو بازی، برسان، طناب بازی، نو دسته چلیک باز، لنگه بازی و..... پر بود در بازیهای کودکانه و طبیعت آنقدریار ما بود که کنار در ختان جنگل و رودخانه روزها را می گذراندیم و از بوی گل محمدی و عطر یاس مست می شدیم و گاه آواز می خواندیم و می رقصیدیم و به قول فروغ فرخزاد که آن روزها رفتند آن روزهای سالم و سرشار ... من گمان می کنم که هرگز نسل جدید نمی تواند باور کند که پدران آنها نه نسل های

مقاطع مختلف تاریخ این سر زمین در دوران های مختلف کسب کند .

ساختار دو جلدی کتاب بر چه منطقی استوار است؛ آیا این تفکیک بر اساس دوره های تاریخی، تحولات ذهنی یا ضرورت های روایی شکل گرفته است؟

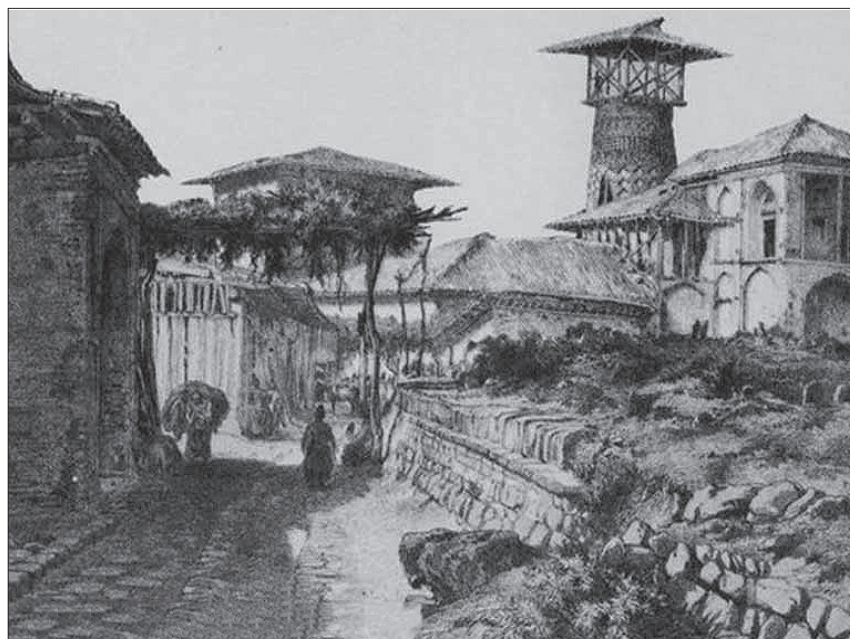
حسن نوشتن همیشه بوده و من با نوشتن احساس آرامش و لذت می کنم زیرا گاه انسان در شرایطی قرار می گیرد که می بیند تنها با نوشتن است که می تواند خود را رها کند و از اضطراب یا بحران روحی خارج شود کار نوشتن برای برخی یک نیاز است و من وقتی دیدم یادداشت های بسیار و پراکنده ای دارم که خیلی در چار چوب تعریف شده قرار نمی گیرند به این نتیجه رسیدم که بهتر است بر اساس یک روش باشد که به آن سیر تاریخی دادم و از کودکی شروع کرده ام و ۳۰ سال نخست را در جلد اول و ۳۰ سال دوم را در جلد دوم نوشته ام، اگر چه ایرادات بسیاری به آن وارد است خصوصاً آنکه یک چهارم کتاب هم حذف شد و کار ناقص از آب درآمد البته تازگی ها قصد دارم جلد سوم را شروع کنم که شاید بتواند برخی از نقصان ها را جبران کند.

در فرآیند نوشتن، تا چه حد به مستندسازی (اسناد، گفت و گوها، حافظه جمعی) تکیه کرده اید و این امر چگونه بر اعتبار روایت افزوده است؟

همانطور که اشاره کردم من از هیچ سند رسمی و تاریخی بهره نبردم و واقعیت این است که وقتی خودم دوباره به خوانش این خاطرات پرداختم دربارم نمی گنجید که راستی روزی ما و مردم ایران اینگونه زندگی می کردیم، واقعیت این است این قرن تحولات مدرنیته آن چنان سریع بوده که ما از یک زندگی ساده به عصر هوش مصنوعی پرتاب شده ایم و این گیج کننده است و نسل امروز چگونه می تواند درک کند که ما نه گاز داشتیم نه برق نه آب لوله کشی، نه آشپزخانه مدرن و نه اطاق خواب جداگانه، کرسی بود، آب چشمه و همه در یک اطاق می خوابیدیم و صبح ها به اصرار و زور پدر به حمام عمومی می رفتیم، اما آنچه از آن روزها باقی مانده یک نگاه نوستالژیک است که گاه حسرت آن را می خورم آنچه بود رفاقت بود و مهربانی بود، غذای مادر دیگر

آنچه از آن روزها باقی مانده یک نگاه نوستالژیک است که گاه حسرت آن را می خورم آنچه بود رفاقت بود و مهربانی بود، غذای مادر دیگر گوشت فریزی نبود، بوی خورش سبزی او فضای حیاط را پر می کرد، کوچه سنگفرش بود، شادی های بازی های کودکانه، گرگ بازی، گردو بازی، برسان برسان، طناب بازی، نو دسته چلیک باز، لنگه بازی و..... پر بود

گذشته آنقدر زندگی متفاوت با نسل جدید داشته اند این اثر ابتدا صرفاً با نگاه خاطره نویسی آغاز شد و



شنیده ایم که شما چند رمان هم نوشته اید اما در بازار نشر نبود علت چیست و درباره رمان ها توضیح دهید ؟

من چند رمان به نام های خاکستری در باد، شیدا، در انتظار ... نوشته ام که بخاطر شمارگان محدود آن اغلب تنها سهم نزدیکان شد، خاکستری در باد مجموعه داستان است در زمینه های اجتماعی و داستان اول آن زندگی چندم کلاس است در روزگار پیری که بسیار انده بار به پایان می رسد، رمان شیدا شرح یک تاریخ از روزگار مشروطیت است تا امروز که در قالب رفتار خانواده ها بیان می شود که بن مایه ای از تاریخ - اشاره به بهائیت در ایران مسایل عرفانی با نگاه به آموزه های هندویسم و روانشناسی دارد - شیدا رمانی بلند است و حدود ۳۶۰ صفحه است. و رمان های دیگر که علت کمبود آن هزینه سنگین چاپ است و گویی نویسنده ای در اندازه من که اسم و رسمی ندارد باید کلیه هزینه های کارهای انتشاراتی از چاپ ویراستاری مجوزهای مختلف، هزینه چاپ و توزیع را پرداخت کند لذا از خیرش می گذرد از دلایل اصلی کمبود شمارگان است. نوشته های دیگر مخصوصاً سفرنامه به کشورهای مختلف آماده دارم که چاپ نشده هم چنین خاطرات سفر به اماکن مقدسه قابل ذکر است که در بر پلکان پاییز سنت شکنی کرده ام و آن چاپ عکس های مختلف از خانواده و دوستان بود که خالی از نقادی هم نبود اگر چه در قالب عکس ها می شد فرهنگ لباس پوشیدن بانوان، پوشش آنها، وسایل ورزشی در مدرسه را در ۸۰ سال پیش به مخاطبان نشان داد.

تاکید سازمان استاندارد بر بهره‌وری بیشتر از ظرفیت آزمایشگاهی

ارتباط دارد و در بخش صادرات نیز می‌تواند بر سرعت فرآیند ارزیابی و ورود محصولات به بازارهای هدف اثرگذار باشد. وی با بیان اینکه توسعه آزمایشگاه‌های همکار به معنای تقویت ظرفیت کل شبکه آزمایشگاهی کشور است، خاطرنشان کرد: سازمان ملی استاندارد ایران از توسعه ظرفیت‌های تخصصی آزمایشگاه‌های بخش خصوصی حمایت می‌کند و تلاش ما این است که ظرفیت‌های موجود به‌صورت هماهنگ و هدفمند در خدمت تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و صادرکنندگان قرار گیرد. رئیس سازمان ملی استاندارد ایران افزود: هرچه دامنه فعالیت آزمایشگاه‌های تخصصی افزایش یابد، نیاز به ارسال نمونه‌ها به سایر استان‌ها کاهش پیدا می‌کند و این موضوع علاوه بر کاهش زمان و هزینه، موجب تسریع در فرآیند ارزیابی انطباق و ارائه خدمات به واحدهای تولیدی خواهد شد. انصاری خاطرنشان کرد: هدف سازمان ملی استاندارد ایران این است که با توسعه و هماهنگی شبکه آزمایشگاهی، ظرفیت‌های موجود در سراسر کشور را به شکل موثرتری به کار بگیرد تا تولیدکنندگان برای دریافت خدمات تخصصی با کمترین زمان و هزینه مواجه شوند و مسیر تولید، ارزیابی و صادرات محصولات با سرعت بیشتری طی شود.



تخصصی ایجاد کرده است و می‌تواند بخشی از نیاز واحدهای تولیدی و فعالان این حوزه‌ها را در داخل استان پاسخ دهد. انصاری تأکید کرد: در حوزه محصولات غذایی و کشاورزی، دقت و سرعت در انجام آزمون‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چرا که نتایج این آزمون‌ها مستقیم با کیفیت، سلامت و قابلیت عرضه محصولات

استان از ظرفیت قابل توجهی در تولید محصولات کشاورزی و غذایی برخوردار است و طبیعی است که متناسب با این ظرفیت تولیدی، زیرساخت‌های آزمایشگاهی نیز باید توسعه پیدا کند. وی ادامه داد: آزمایشگاه «نگار مهر سایدا» با ۱۵۴ نوع فعالیت در حوزه‌های غذایی، کشاورزی و خوراک دام و طیور، ظرفیت قابل توجهی برای انجام آزمون‌های

رئیس سازمان ملی استاندارد با تأکید بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های آزمایشگاهی کشور اظهار کرد: یکی از رویکردهای جدی سازمان ملی استاندارد ایران، استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود در بخش دولتی و خصوصی برای توسعه شبکه آزمایشگاهی و ارائه خدمات تخصصی در این حوزه با سرعت و دقت بیشتر است. به گزارش روابط عمومی، فرزانه انصاری در آیین بهره‌برداری از یک مجتمع آزمایشگاهی دامپزشکی و مواد غذایی در گرگان با تأکید بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های آزمایشگاهی کشور اظهار کرد: یکی از رویکردهای جدی سازمان ملی استاندارد ایران، استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود در بخش دولتی و خصوصی برای توسعه شبکه آزمایشگاهی و ارائه خدمات تخصصی در این حوزه با سرعت و دقت بیشتر است. وی افزود: در شرایطی که تولیدکنندگان و صادرکنندگان برای انجام فرآیندهای ارزیابی و دریافت نتایج آزمون‌ها به خدمات آزمایشگاهی نیاز دارند، توسعه آزمایشگاه‌های تخصصی در استان‌ها می‌تواند زمان انجام آزمون‌ها را کاهش دهد و دسترسی فعالان اقتصادی به خدمات فنی و تخصصی را تسهیل کند. رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به ظرفیت‌های اقتصادی گلستان در بخش کشاورزی، صنایع غذایی و دام و طیور گفت: این



آگهی مزایده عمومی شماره ۵۰۰۵۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۳

اجاره املاک و مستغلات



اداره کل بهزیستی استان گلستان در نظر دارد

ردیف	نام شهرستان	موقعیت ملک	متراژ	شماره مورد مزایده
۱	گنبد کاووس	یک باب مغازه تجاری واقع در خیابان طالقانی شرقی جنب اداره بهزیستی	۵۵ متر بر خیابان اصلی	۵۱۰۵۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۱۹
۲	بندرگز	لیوان غربی جاده قدیم - جنب منبع آب	ویلايي ۳۰۰ متر اعیانی ۳۰۰ متر	۵۱۰۵۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۲۰
۳	بندرگز	سوق ع شهید نقی صلیبی	ویلايي ۲۳۳۵ متر اعیانی ۳۲۰ متر	۵۱۰۵۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۲۱
۴	گرگان	نوده ملک ع دانش جنب دبستان شهدا	ویلايي ۷۲۰ متر اعیانی ۲۰۰ متر	۵۱۰۵۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۱۸

شناسه آگهی ۲۲۶۷۷۳۴

املاک و مستغلات تحت اختیار خود را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (SETADIRAN.IR) و با شماره مزایده ۵۰۰۵۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۳ صورت الکترونیکی به صورت قرارداد اجاره یکساله غیر قابل تمدید واگذار نماید. زمان انتشار در سایت ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ مهلت دریافت اسناد مزایده تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ مهلت ارسال پیشنهاد تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ زمان بازگشایی ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ جهت کسب اطلاعات تکمیلی به سامانه ستاد ایران مراجعه نمایید. شماره تماس ۰۱۷۳۲۲۲۱۳۸۶



تجدید آگهی مزایده عمومی



بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان در نظر دارد

تعداد ۱۳ واحد تجاری پروژه نیایش واقع در شهر گرگان و یک قطعه زمین واقع در خیابان ملت در شهر گنبد کاووس و واحد تجاری در پروژه افراسهر علی آباد کتول را از طریق مزایده عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از شرایط مزایده به سایت بنیاد مسکن به آدرس golestan.bonyadmaskan.ir یا به نشانی گرگان - سایت اداری - اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی - واحد امور قراردادها و یا بنیاد مسکن شعب گرگان، گنبد و علی آباد کتول مراجعه یا با شماره ۰۱۷-۳۲۴۳۵۰۳۲ داخلی ۱۹۶ تماس حاصل فرمایند. آخرین مهلت دریافت اسناد: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ آخرین مهلت تحویل اسناد: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ بازگشایی اسناد: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان - شناسه آگهی ۲۲۶۷۰۶۰

کشت پاییزه چغندر قند در گلستان؛

فرستی برای تامین شکر و مدیریت آب



مورد نیاز کشور و توسعه تولید این محصول استوار است. ابراهیم هزارجریبی افزود: گلستان با توجه به ظرفیت اراضی شمالی و شرایط مناسب تولید، می تواند در توسعه چغندر قند پاییزه و افزایش خوداتکایی کشور نقش موثرتری ایفا کند. وی سطح هشت هزار هکتار را برای قرار گرفتن زراعت چغندر قند در الگوی کشت استان کافی دانست و اظهار کرد: این محصول در مقایسه با برخی محصولات دیگر دارای مزیت هایی برای کشاورزان است، ولی توسعه آن باید با مدیریت صحیح و توجه به محدودیت های منابع و زیرساخت ها انجام شود. هزارجریبی بر ضرورت تقویت مکانیزاسیون و پیش بینی حمایت های دولتی برای تامین هزینه های کشت پاییزه چغندر قند تاکید کرد و گفت: دغدغه های بهره برداران باید با حضور محققان، کارشناسان و کارخانه ها مطرح و برای آنها راهکارهای عملی ارائه شود. وی ادامه داد: اراضی مستعد کشت پاییزه چغندر قند باید به صورت دقیق توسط محققان بررسی و پهنه بندی شود و جهاد کشاورزی گلستان نیز براساس برنامه هفتم توسعه، از توسعه این زراعت حمایت خواهد کرد. مدیرکل دفتر محصولات صنعتی وزارت جهاد کشاورزی نیز با بیان این که توسعه چغندر قند پاییزه نیازمند نگاه جدید در حوزه تغذیه است، گفت: افزایش تولید نباید با مصرف بیشتر نهاده ها دنبال شود، بلکه باید بر پایه دانش فنی، مدیریت مزرعه و استفاده بهینه از نهاده ها باشد. حسین اصغری افزود: تامین امنیت غذایی یک موضوع ملی است و توسعه کشت پاییزه چغندر قند می تواند به حل بخشی از مشکل آب در کشت بهاره کمک کند. در گذشته حدود ۱۷۰ هزار هکتار چغندر قند بهاره کشت می شد که اکنون حدود ۴۰ هزار هکتار از این سطح به کشت پاییزه اختصاص یافته است. وی با تاکید بر این که کشاورز زمانی به تولید ادامه می دهد که از نظر اقتصادی وضعیت مناسبی داشته باشد، اظهار کرد: اگر کشاورز از درآمد کافی برخوردار نباشد، توسعه پایدار کشاورزی امکان پذیر نخواهد بود. اصغری حمایت کارخانه های قند از توسعه کشت پاییزه در استان های مانند گلستان را ضروری دانست و گفت: افزایش هزینه های تولید و عملیات زراعی، توجه بیشتر کارخانه ها به حمایت از بهره برداران و تامین بخشی از هزینه های کشت را ضروری کرده است. وی بر اهمیت کشت قراردادی، فعالیت های ترویجی و هماهنگی میان کارخانه ها، کارشناسان و مراکز خدمات جهاد کشاورزی تاکید کرد و افزود: رعایت تناوب زراعی باید در برنامه کشت چغندر قند مورد توجه قرار گیرد و کارخانه ها نیز برای اجرای بهتر قراردادهای مراکز خدمات جهاد کشاورزی هماهنگ باشند. مدیرکل دفتر محصولات صنعتی وزارت جهاد کشاورزی گفت: تسهیلاتی برای کارخانه ها در نظر گرفته شده که پرداخت آن به ثبت اطلاعات در سامانه مرکز توسعه مکانیزاسیون بستگی دارد. وی همچنین شفافیت قراردادهای و نظارت بر عیارسنجی محصول در کارخانه ها را ضروری دانست و اظهار کرد: آموزش اصول فنی زراعت پاییزه چغندر قند باید جدی گرفته شود. توسعه زراعت پاییزه چغندر قند در گلستان، در صورت تکمیل زنجیره تولید از مزرعه تا کارخانه، می تواند علاوه بر کاهش مصرف آب و بهبود تناوب زراعی، زمینه افزایش درآمد کشاورزان، ایجاد اشتغال و تقویت نقش استان در تامین شکر کشور را فراهم کند و تحقق این هدف نیازمند همکاری هم زمان بخش های تحقیقاتی، ترویجی، اجرایی، صنعتی و بهره برداران است.

از سطح زیر کشت امسال، ۳۵۶ هزار و ۹۳۶ تن محصول تولید و به کارخانه های طرف قرارداد تحویل شد. وی میانگین عملکرد چغندر قند پاییزه در استان را ۵۱ تن در هکتار اعلام کرد و گفت: عیار محصول تولیدی نیز ۱۶،۳۳ درصد به دست آمده که نسبت به سال زراعی قبل افزایش داشته است. یکی از بهره برداران پیشرو چغندر قند پاییزه در گلستان نیز بر ضرورت افزایش سرمایه گذاری در حوزه آموزش و آگاهی بخشی به کشاورزان تاکید کرد. علی منتظری گفت: برگزاری دوره های آموزشی و ترویجی برای بهره برداران باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد، زیرا مدیریت زراعت چغندر قند در استان باید متناسب با شرایط اقلیمی، خاک و امکانات بومی گلستان باشد. وی افزود: از سطح ۱۵ هکتار چغندر قند پاییزه، هزار تن محصول برداشت کرده ام که نشان می دهد در صورت مدیریت صحیح مزرعه، استفاده از ارقام مناسب و رعایت اصول فنی، این محصول از ظرفیت عملکردی مطلوبی برخوردار است. منتظری خاطرنشان کرد: در انتخاب کارخانه ها برای انعقاد قرارداد کشت باید دقت بیشتری صورت گیرد تا بهره برداران بتوانند از خدمات فنی، حمایتی و فرآوری کارخانه ها بهتر استفاده کنند. رئیس مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان نیز هدف از برگزاری نشست تخصصی چغندر قند پاییزه استان را بررسی مزایا، شناسایی مشکلات و ارائه راهکارهای مناسب برای توسعه این زراعت عنوان کرد. قربانعلی روشنی گفت: این نشست با حضور بهره برداران، کارشناسان و محققان برگزار شد تا مسائل و چالش های کشت پاییزه چغندر قند از ابعاد مختلف بررسی شود. وی افزود: در اراضی شمالی گلستان ظرفیت بالایی برای توسعه کشت چغندر قند پاییزه بدون کاهش عملکرد وجود دارد و با انتخاب ارقام مناسب و اعمال مدیریت صحیح می توان سطح این زراعت را افزایش داد. روشنی، خلا آموزش و ترویج را یکی از موانع توسعه این محصول در استان دانست و گفت: برگزاری دوره های آموزشی پیش از آغاز کشت پاییزه، سریع ترین اقدام برای افزایش دانش فنی کشاورزان و کاهش خطاهای مدیریتی در مزرعه است. رئیس جهاد کشاورزی گلستان گفت: در خصوص کشت چغندر قند پاییزه تردیدی وجود ندارد و سیاست وزارت جهاد کشاورزی نیز بر تامین شکر

توسعه زراعت پاییزه چغندر قند با تکیه بر دستاوردهای پژوهشی و حمایت های سیاسی می تواند نقش مهمی در تامین امنیت غذایی و افزایش خوداتکایی کشور ایفا کند. پژوهشگر و مروج ارشد زراعت چغندر قند نیز با اشاره به اهمیت این محصول در تناوب زراعی، گفت: چغندر قند، محصول بازسازی کننده تناوب زراعی است و قرار گرفتن آن در الگوی کشت می تواند به پایداری تولید و بهبود بهره وری اراضی کمک کند. ولی الله یوسف آبادی افزود: زراعت چغندر قند که از سال ۱۳۴۲ در استان های جنوبی کشور از جمله خوزستان آغاز شد، اکنون در حدود ۴۰ هزار هکتار به صورت پاییزه کشت می شود و در صورت رفع محدودیت های صنعتی، ظرفیت توسعه آن حتی تا ۱۰۰ هزار هکتار نیز وجود دارد. وی با بیان این که ظرفیت مورد نیاز صنعت قند کشور روزانه حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تن است، اظهار کرد: در حال حاضر تنها روزانه حدود ۱۵ تا ۱۶ هزار تن از این ظرفیت از سوی بهره برداران استان های خوزستان، کرمانشاه و بخش هایی از فارس تامین می شود، بنابراین توسعه کشت پاییزه، بدون افزایش ظرفیت فرآوری و کارخانه های امکان پذیر نخواهد بود. یوسف آبادی گفت: ارزیابی مناطق مختلف گلستان برای توسعه زراعت پاییزه چغندر قند از سال ۱۳۸۰ انجام شده و براساس نتایج آن، تمامی اراضی مستعد دشت های شمالی استان برای کشت این محصول معرفی شده اند. وی اضافه کرد: تولید چغندر قند پاییزه در اراضی دشت های شمالی گلستان با عیار ۱۶،۳۳ درصد و عملکرد بیش از ۷۰ تن در هکتار، ظرفیت مناسبی برای سرمایه گذاری ایجاد کرده است و باید با استفاده از خرد جمعی، زمینه بهره برداری درست از این ظرفیت فراهم شود. این پژوهشگر، نبود کارخانه و ظرفیت صنعتی، کمبود دانش فنی در مدیریت مزرعه، پایین بودن سطح مکانیزاسیون بومی، خطر پرنده خواری و احتمال ساقه روی را از مهم ترین چالش های توسعه چغندر قند پاییزه در گلستان برشمرد و گفت: با برنامه ریزی مناسب، توسعه این زراعت در استان تا بیش از ۱۰ هزار هکتار امکان پذیر است. معاون بهبود تولیدات گیاهی جهاد کشاورزی گلستان گفت: امسال هفت هزار از اراضی استان زیر کشت چغندر قند پاییزه قرار گرفت که این میزان حدود ۵۰۰ هکتار کمتر از سال زراعی گذشته است. علی اکبر مهقانی نوده افزود:

توسعه کشت پاییزه چغندر قند در گلستان با توجه به ظرفیت اراضی دشت های شمالی، عملکرد مطلوب در واحد سطح و عیار مناسب محصول، فرصتی برای افزایش تولید، کمک به خوداتکایی در تامین شکر و استفاده بهینه از منابع آب است که به گفته کارشناسان و محققان جهاد کشاورزی، با رفع چالش هایی مانند نبود کارخانه، ضعف مکانیزاسیون، کمبود آموزش و مدیریت مزرعه می تواند تا بیش از ۱۰ هزار هکتار در این استان گسترش یابد. به گزارش ایرنا، چغندر قند به عنوان یکی از محصولات راهبردی بخش کشاورزی، نقش مهمی در تامین شکر مورد نیاز کشور و سبد غذایی خانوارها دارد که توسعه کشت پاییزه این محصول در سال های اخیر، علاوه بر افزایش سطح تولید و کاهش وابستگی به واردات، به دلیل استفاده از بارش های پاییز و زمستان و کاهش نیاز به آبیاری در فصل گرم، به عنوان یکی از راهکارهای مدیریت مصرف آب در کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است. گلستان از استان های مستعد توسعه کشت پاییزه چغندر قند در کشور به شمار می رود و طبق بررسی های انجام شده از سال ۱۳۸۰ بخش قابل توجهی از اراضی دشت های شمالی استان قابلیت کشت این محصول را دارند با این حال به گفته کارشناسان، توسعه این ظرفیت نیازمند برنامه ریزی اجرایی، ایجاد زیرساخت های صنعتی، ترویج دانش فنی و حمایت از بهره برداران است. وجود این ویژگی ها در استان گلستان سبب شد نشست تخصصی با حضور جمعی از بهره برداران پیشرو زراعت پاییزه چغندر قند، مدیران جهاد کشاورزی شهرستان ها، محققان مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی، منابع طبیعی و پژوهشگران ارشد زراعت پاییزه چغندر قند و مسوولان استانی و ملی این حوزه در گرگان برگزار شود و راهکارهای توسعه این زراعت مورد بررسی قرار گیرد. عضو موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه بذر چغندر قند با اشاره به اهمیت توسعه کشت پاییزه این محصول گفت: طرح خوداتکایی تولید چغندر قند و شکر کشور از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و اکنون حدود ۹۰ درصد خوداتکایی در تولید این محصول محقق شده است. سعدیار احمدی افزود: دستیابی به این میزان خوداتکایی، حاصل توسعه زراعت چغندر قند در هر دو فصل پاییزه و بهاره، افزایش عملکرد در واحد سطح و استفاده از دستاوردهای پژوهشی در معرفی ارقام مناسب بوده است. وی با بیان این که کشت پاییزه چغندر قند در کشور از سال ۱۳۴۲ و از مزارع خوزستان آغاز شد، اظهار کرد: در سال های اخیر، زراعت پاییزه این محصول در استان های مستعد توسعه یافته و همین موضوع نقش مهمی در کاهش مصرف آب کشاورزی داشته است. احمدی ادامه داد: در سال زراعی گذشته حدود ۱۷۲ میلیون مترمکعب در مصرف آب کشاورزی کشور از محل توسعه کشت پاییزه چغندر قند صرفه جویی شد که این میزان معادل ذخیره آب سد کرج است. وی چشم انداز توسعه زراعت پاییزه چغندر قند در کشور را ۶۰ هزار هکتار اعلام کرد و گفت: سطح این کشت از حدود ۲ هزار هکتار در سال زراعی ۹۳ به ۴۰ هزار هکتار در سال زراعی جاری رسیده و از این سطح حدود ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تن محصول برداشت شده است. عضو موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه بذر چغندر قند، جهش مکانیزاسیون، افزایش عملکرد ریشه و عیار محصول، استفاده بهینه از منابع آب، انتقال یافته های تحقیقاتی به بهره برداران، افزایش ظرفیت صنعتی و ایجاد کارخانه های قند را از راهکارهای اساسی توسعه کشت پاییزه این محصول دانست. وی تاکید کرد: